

دانشگاه فرهنگیان

فصلنامه علمی-تخصصی پژوهش در آموزش تاریخ

دوره دوم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۰

تاریخ ارسال: ۱۴۰۰ / ۱۰ / ۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰ / ۱۰ / ۲۲

سیمای دو همسایه در آینه تاریخ:

مروری انتقادی بر جایگاه و روایت تاریخ عثمانی در آموزش رسمی تاریخ در ایران توران طولابی^۱

چکیده

پیشینه اشتراکات و پیوندهای فرهنگی ایران و آسیای صغیر به روزگار کهن می‌رسد. رفت و آمد پیوسته مردمان دو سرزمین و دادوستد اندیشه و فرهنگ بر بستر تجارت روندی طبیعی در روزگاری بود که هنوز مرزهای مدرن و موانع جدید شکل نگرفته بود. این تعاملات فکری و فرهنگی در دوره صفوی و تحت تأثیر برآمدن این دولت شیعی در برابر دولت سنی عثمانی تا اندازه‌ای به محاق رفت. اما حضور و فعالیت ایرانیان در آسیای صغیر متوقف نشد و مهاجرت و پناهندگی طیفی از هنرمندان و اهل ادب ایرانی به عثمانی و گرایش سلاطین عثمانی به فرهنگ ایرانی و زبان فارسی پیوندهای دیرینه را در میانه‌ی منازعات سیاسی، نظامی و ایدئولوژیک حفظ کرد. ایران و عثمانی در اوج اختلافات مذهبی و کمابیش همزمان با منازعاتی مشابه در اروپا، چند سال زودتر از اروپاییان به مصالحه و دیپلماسی روی آوردند و معاهده ذهاب (۱۶۳۹/۱۰۴۹) راه را برای تداوم مناسبات دو دولت بر بستر گفتگو و دیپلماسی هموار کرد. این معاهده بنیانی فراهم آورد تا پس از سقوط صفویه و بالا گرفتن اختلافات، بار دیگر نادرشاه به زبانی دیگر آن را در مذاکرات نجف احیا کند و در دوره قاجاریه نیز دو دولت در برابر تهدیدی که از جانب استعمار غربی و روس متوجه‌شان بود به هم نزدیک شوند. در دوره قاجاریه و به تناسب روند شتابناک نوسازی غرب‌گرا در عثمانی، نمایندگان از هیئت حاکمه چون امیرکبیر و سپهسالار و هم طیفی از روشنفکران منتقد ایرانی که استانبول را پناهی برای انتشار

^۱- استادیار گروه تاریخ دانشگاه لرستان toolabi.t@lu.ac.ir

اندیشه‌های اصلاح‌خواهانه خود یافتند، در جهت أخذ یک الگوی اصلاح و نوسازی متناسب و پیشنهاد آن به دولت ایران گام برداشتند. پژوهش حاضر بر محور این پرسش نگارش یافته است که جایگاه عثمانی‌شناسی و ترکیه‌شناسی در متون درسی تاریخ چگونه است؟ بررسی متون درسی تاریخ در سطح مدارس و دانشگاه حاکی از آن است که این موضوع در کتب تاریخ مدارس، عمدتاً به برخی مسائل سیاسی و رویارویی‌های نظامی بر محور دوره صفویه و یا قاجاریه فروکاسته شده است. وانگهی، تعریف این «شناخت» در رشته دانشگاهی تاریخ هم وضعیت مطلوبی را نشان نمی‌دهد. کمیت و کیفیت ارائه این شناخت در رشته تاریخ حکایت از آن دارد که شناخت از تاریخ عثمانی و ترکیه جدید هنوز بر محوری سنتی و بر مدار نگرشی ارائه شده است که رویکرد علمی و روشمند بر آن حاکم نیست. در حالی که مناسبات دو دولت افزون بر بعد سیاسی و نظامی، دارای بعد پررنگ فرهنگی و فکری است، اما در آموزش تاریخ عملاً این بعد نادیده گرفته شده است. این در حالی است که مطالعه تجربه تاریخی دو کشور ایران و ترکیه و مشخصاً تجربه گذار آنان به تجدد، می‌تواند الگوی مناسبی برای فهم بهتر سرشت تحولات معاصر این دو بستر و مقوله تجدد در جهان اسلام پیش رو نهد. فروکاستن مناسبات ایران و عثمانی به مسائل سیاسی و نظامی و تقلیل تجربه تجدد در دو کشور به افراد- همچون رضاشاه و آتاترک- حکایت از عدم شناخت چرستی تحولات عثمانی و ترکیه جدید دارد که همچنان در ایران گرفتار خوانشی سطحی است.

واژگان کلیدی: ایران، عثمانی، ترکیه جدید، آموزش تاریخ، تجدد، رضاشاه، آتاترک.

مقدمه

آسیای صغیر همواره دارای موقعیتی راهبردی و همواره محل برآمدن تمدن‌های کهنی بوده است. قطعاً بخشی از اهمیت این سرزمین در موقعیت جغرافیایی آن و طبیعتاً منافع سرشاری بود که می‌توانست از منظر اقتصادی داشته باشد. نگاهی به متون اسلامی نشان می‌دهد آرزوی فتح قسطنطنیه همواره در جهان اسلام وجود داشته است به طوری که باعث شد به روایت‌های دینی هم راه پیدا کند. این بخت درنهایت نصیب عثمانیانی شد؛ بختی که با روحیه‌ی نظامی‌گری و با تکیه بر مفهوم غزای اسلامی از قبل همجواری با بیزانس نصیب‌شان شده بود. پس از آن دوره‌ای مناسبات میان دولت عثمانی (۱۲۹۹-۱۹۲۲ م.) و دولت‌های دیگر جهان اسلام شکل گرفت که خود موضوع قابل تأملی است. دولت عثمانی بر سرزمینی با پیشینه یونانی-رومی تکیه زد اما به آن بسنده نکرد و سرزمین‌های زیادی را در سیطره خود گرفت. دایره وسیعی از سرزمین‌هایی که در سه قاره پراکنده بود در ذیل قدرت دولت عثمانی قرار گرفت. افزون بر گستردگی جغرافیایی، عمر طولانی این سلسله آن را در کنار خلافت عباسی (۱۳۲-۶۵۶ هـ. ق) به یکی از دیرپاترین حکومت‌های جهان اسلام تبدیل کرد. از این رو ادعای شناخت تاریخ جهان اسلام بدون شناخت تاریخ عثمانی و ترکیه جدید می‌تواند پایه‌های سستی داشته باشد. اهمیت این موضوع برای ایران هم از منظر سیاسی پررنگ است و هم از منظر فکری و فرهنگی. بدین معنا که رشته‌ای از مناسبات فرهنگی در آسیای صغیر همواره حلقه اتصال این دو سرزمین به هم بوده است.^۲ با شکل‌گیری دولت عثمانی این مناسبات وجه سیاسی و نظامی پررنگی به خود می‌گیرد. اما فروکاستن همه تاریخ دو دولت ایران و عثمانی به مناسبات نظامی و عهدنامه‌ها نادیده گرفتن وجوه معینی است که به ویژه در تاریخ معاصر دو بستر شکل دیگری به خود می‌گیرد. بر این اساس، در پژوهش پیش رو کوشش می‌شود تا با تکیه بر بررسی برخی متون درسی مدرسه و نیز متون دانشگاهی رشته تاریخ کمیت و کیفیت توجه به تاریخ عثمانی و ترکیه جدید واکاوی شود. این موضوع تاکنون به صورت مستقل موضوع پژوهشی نبوده است. از این رو در این نوشتار کوتاه این ادعا مطرح نیست که قرار است به مسائل بنیادین این حوزه پرداخته شود، بلکه کوشش می‌شود دست کم در حد طرح مسئله‌ای باشد که بتواند در آینده خلأهای موجود در این زمینه را رأس‌العین قرار دهد.

مطالعات ایران و عثمانی؛ نگاهی تطبیقی

تاکنون پژوهش‌هایی مرتبط با ایران و عثمانی به زبان فارسی انجام شده است که بی‌شک آثار نادر انتخابی در میان آنها جای متمایزی دارد.^۳ تلاش برای ارائه‌ی تصویری علمی و نظام‌مند از عثمانی معاصر و گذار آن به تجدد

^۲ در این زمینه محمدمبین ریاحی از پیشگامانی بود که کوشید در قالب کتاب و مقالات خود به تعریف جایگاه زبان و فرهنگ ایرانی در حوزه آسیای صغیر بپردازد. بنگرید به: ریاحی، محمدمبین، *زبان و ادب فارسی در قلمرو عثمانی*، تهران: اطلاعات، ۱۳۹۰.

^۳ برای آگاهی از آثار او بنگرید به: انتخابی، نادر، *تجدد و ناسیونالیسم در ایران و ترکیه*، تهران: نشر نگاره آفتاب، ۱۳۹۰؛ همو، دین، *دولت و تجدد در ترکیه*، تهران: نشر هرمس، ۱۳۹۵. نیز در حوزه پژوهش‌های فارسی نمی‌توان از اثر ارزشمند استاد رئیس‌نیا یاد نکرد: رئیس‌نیا، رحیم، *ایران و عثمانی در آستانه قرن بیستم*، تهران: ستوده، ۱۳۷۴، سه جلد.

مسئله‌ای بوده است که برای انتخابی مطرح بوده و او توانسته است با روش‌شناسی منسجم به خوبی آن را سامان دهد. اما در میان پژوهشگرانی که کارهای آنها تاکنون به زبان فارسی ترجمه نشده است نادر سهرابی دارای جایگاه متفاوتی است.^۴ او در قالب یک کتاب و چند مقاله هم به تاریخ تطبیقی ایران و عثمانی در دورۀ معاصر پرداخته است و هم تجربه گذار به دولت مدرن در این دو بستر را با نگاهی جامعه‌شناختی و با تکیه بر منابع دست یکم و پژوهش‌های معتبر به بررسی نشسته است. با این که عثمانی‌پژوهی در ایران هنوز راه درازی در پیش دارد اما راهی را آغاز کرده است که می‌توان امید داشت که در آینده وضعیت بهتری به خود بگیرد. اما وضعیت کتاب‌های درسی راه در مقیاس عثمانی‌پژوهی در ایران وضعیت بغرنج‌تری را به خود گرفته است. بررسی متون درسی در این پژوهش در دو سطح مورد نظر است: نخست، سطح کتب مربوط به مقطع متوسطه؛ دوم، سطح دانشگاهی، نوع تعریف درس عثمانی و تاریخ ترکیه در رشته تاریخ.

سطح نخست: آموزش تاریخ در مدارس و شیوۀ تعریف روابط منطقه‌ای

بررسی کتب تاریخ مربوط به مقطع متوسطه اول و دوم بیانگر این است که آنچه در این کتابها برجسته شده عمدتاً مرتبط به مناسبات سیاسی و نظامی ایران است که بیشتر در دو مقطع مورد توجه قرار گرفته است. نخست، دورۀ صفویه و رشته رخدادهایی که به نبردهایی میان این دو قدرت انجامید و از نبرد چالدران شروع شده است. دوم، دورۀ قاجاریه که آن هم عمدتاً نگاهی به روابط ایران و عثمانی بر محور اختلافاتی است که در نهایت به عهدنامه‌های ارزنه‌الروم انجامید. جالب اینجاست که در این کتاب‌ها ایران و عثمانی را دو کشور مسلمان خوانده است بدون این که به دانش‌آموزان این آگاهی داده شود که عثمانی دولتی متشکل از طیف‌های متنوع دینی بود.^۵ شاید بتوان آن را به دلیل ترکیب ساختار قدرت دولتی مسلمان دانست اما معرفی آن به عنوان کشوری مسلمان قطعاً نادیده گرفتن تکرر مذهبی در این دولت است. البته در جایی دیگر به صورت کوتاه به این تنوع فرهنگی و دینی در عثمانی اشاره شده است اما در این قسمتی که به آن پرداخته شد از آن سخنی به میان نیامده است.

اگر برخی اطلاعات در این زمینه، ولو در حد مسائل سیاسی و نظامی به چشم می‌خورد در زمینه مناسبات ایران و عثمانی در عصر مشروطه مطالبی در کتاب‌های درسی نیامده است تا عملاً هیچ چشم‌اندازی از شکل‌گیری و تکوین ترکیه جدید برای دانش‌آموزان شکل نگیرد. یکی از موضوعات مهم در دولت عثمانی، شکل‌گیری رشته‌ای

^۴- Sohrabi, Nader, *Revolution and Constitutionalism in The Ottoman Empire and Iran*, Cambridge University Press, ۲۰۱۱; Sohrabi, Nader, "Historicizing revolution: Constitutional revolutions in the Ottoman Empire, Iran and Russia, ۱۹۰۵-۱۹۰۸", *The American Journal of Sociology*, Vol. ۱۰۰, No. ۶ (May, ۱۹۹۵); Sohrabi, Nader, "Constitutional Revolutions and State Formation in Comparison: Iran and Turkey", *The Oxford Handbook of Contemporary Middle Eastern and North African History*, Oxford University Press, ۲۰۱۸.

^۵- تاریخ (۲) از بعثت پیامبر اسلام تا پایان صفویه، پایه یازدهم، دوره دوم متوسطه، ادبیات و علوم انسانی، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، ۱۳۹۶، ص ۴۶، دسترسی به متون درسی تاریخ مدارس برایم چندان راحت نبود. این امر را دوست عزیز، فرنگیس آزادبخت برای من هموار کرد که از ایشان برای این مهربانی سپاسگزارم.

از اصلاحات است که از عصر لاله آغاز و تا مشروطه ادامه پیدا می‌کند. جالب اینجاست که در یکی از بخش‌های کتاب‌های درسی به این اصلاحات اشاره شده و چنین ذکر شده است که «دولت عثمانی در برابر هر نوع اصلاحات و حتی دستاوردهای علمی مقاومت کرد».^۶ مشخص نیست چرا این گزاره نادرست، بی‌پایه و اساس و غیرعالمانه با قاطعیت نوشته شده است. هدف نویسندگان این بوده که در ذیل عنوان «مرد بیمار اروپا» به دشواری‌های پیش روی عثمانی اشاره کنند. طبیعتاً رشته‌ای از مصائب پیش روی عثمانی بود که سبب شد تا تزار روس این عنوان را به عثمانی رو به زوال بدهد اما بیان چنین داوری و گزاره‌ای درباره اصلاحات عثمانی اساس علمی ندارد.

سطح دوم؛ دانشگاه و جایگاه عثمانی و ترکیه در آموزش رشته تاریخ

رشته تاریخ از منظر جایگاه عثمانی و ترکیه وضعیت نامطلوبی دارد. این وضعیت را می‌توان از دو منظر بررسی کرد: نخست، از منظر کمی که تنها در کل دوره تحصیل در این رشته از کارشناسی تا دکتری دو درس در قالب چهار واحد تعریف شده است. یک درس دو واحدی با نام تاریخ عثمانی و خاورمیانه جدید که در مقطع کارشناسی تعریف شده است. و دیگری دو واحد که با نام تاریخ عثمانی برای دوره دکتری گرایش تاریخ اسلام قرار داده شده است. جالب این که کسی که در گرایش ایران اسلامی تا مقطع دکتری ادامه تحصیل داده است تنها دو واحد در مقطع کارشناسی درس تاریخ عثمانی را پشت سر می‌گذارد. حاصل چنین وضعیتی آن شده است که تقریباً هیچ شناختی از تاریخ عثمانی و نیز تکوین ترکیه جدید به عنوان کشوری که با ایران مرز مشترک دارد در یکی از رشته‌های بنیادین علوم انسانی یعنی تاریخ برای دانشجویان شکل نمی‌گیرد. دانش‌آموختگان این رشته در نهایت در دوره کارشناسی و حتی مقاطع بعدی با گذراندن واحدهایی که عموماً وجه سیاسی دارند و به صورت کرونولوژیک تعریف شده‌اند از دانشگاه خارج شده و وارد عرصه جامعه می‌شوند. این در حالی است که گاهی در رشته تاریخ ضرورت پیوند با اکنون مطرح می‌شود که با این برنامه‌ریزی‌ها در زمینه‌ی تعریف واحدها اساساً میانه‌ای ندارد.^۷

همان طور که اشاره شد در گرایش ایران اسلامی در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری هیچ واحد درسی برای شناخت دیگر مناطق از جمله عثمانی و ترکیه تعریف نشده است. در حالی که دست کم شناخت تاریخ ایران در دو مقطع صفویه و قاجاریه و پهلوی نیازمند شناخت این دولت است. تکرار قالب‌ها و انگاره‌هایی چون وام گرفتن مفاهیم مدرن سیاسی از ترکیه، تأثیرپذیری رضاشاه از آتاترک در مقوله تجدید فرهنگی و سیاسی بدون تأمل علمی و درنگ واکاونه میان دانشجویان و حتی دانش‌آموختگان رشته تاریخ حاکی از این خلأ است که از قرار معلوم در برنامه‌ریزی‌های جدید هم فعلاً آمیدی به تغییر آن نیست. دانشجویان رشته تاریخ بیشتر از واحدهای درسی و نیز بحث و گفت و گوهای علمی در دانشگاه در معرض تبلیغات رسانه‌ای از ترکیه و حتی مجموعه‌های تلویزیونی

^۶- پیشین، ص ۲۵.

^۷- نگارنده پیش‌تر در قالب نوشتاری که به مناسبت انتشار کتاب دولت و جامعه در عثمانی در ایران منتشر شد به ضرورت توجه بیشتر به این حوزه و دلایل آن پرداخته است. بنگرید به: طولابی، توران، «مطالعات عثمانی و ترکیه در ایران: پیشینه و افق آینده»، مجله فرهنگ امروز، شماره ۲۳، تابستان ۱۳۹۷.

هستند که تصویر دیگری از ترکیه در اذهان آنها مسلط می‌کند به گونه‌ای که تصحیح آن ذهنیت و تعریف ذهنیتی چهارچوب‌مند و دارای انسجام در قالب دو واحد درس کارشناسی به امر دشواری تبدیل شده است.

دولت‌های مسلمان و گذار به تجدد؛

ضرورت بازخوانی تطبیقی تجربه ایران و ترکیه به تجدد

جوامع مسلمان در دورۀ معاصر در برابر رشته‌ای از مسائل از منظر داخلی و نیز مجموعه‌ای از رخدادها در سطح بین‌المللی قرار گرفتند که تأمل در چیرستی انحطاط و عقب‌ماندگی را به مثابه یک مسئله در برابر طیفی از دولتمردان و متفکران‌شان قرار داد. این که چگونه می‌توان مفاهیم متجدد عمدتاً برگرفته از آبخور غربی را در آن جوامع پیاده کرد امری بود که پاسخ به آن آغازگر عصری شد که برخی دولت‌های اسلامی با آن درگیر شدند. در این میان می‌توان مشخصاً به ایران و عثمانی اشاره کرد که با ضربه‌های سهمناک نظامی به درکی از بحران موجود دست یافتند. حال پیش روی این دو دولت مسلمان ضرورت بازاندیشی در ساختارهای موجود مطرح بود که تلقی رایج این بود که دیگر کارایی خود را از دست داده و نمی‌تواند به مسائل روز پاسخ دهد. اعمال اصلاحاتی در ایران و عثمانی از سوی دولتمردان و آغاز عصر اصلاحات برآیندی از تأمل در وضعیت بحرانی و تلاش برای پاسخ به مسائلی بود که در سده سیزدهم/ نوزدهم و متأثر از رقابت‌های استعماری سرشت بین‌المللی و دیپلماتیک یافته بود. موضوع عثمانی از ایران اندکی پیچیده‌تر بود. دولت عثمانی در درون مرزهایش به بحران برخورد کرده بود. مسائل مالی که نبردهای نظامی آن را حادث کرده بود هرروز بیشتر جلوه‌های خود را بروز می‌داد. بخشی از این بحران مالی هم ریشه در استقلال‌خواهی‌هایی داشت که هرازگاهی دولت را ناچار به مواجهه با آنها می‌کرد. حضور طیف‌های متنوع قومی و دینی در عثمانی اسبابی را فراهم کرد تا دولت‌های غربی و روسیه هرازگاهی دستاویزی یافته و در خواهان اعمال قوانینی شوند که حقوق آنها را در نظر بگیرد.^۸ وضعیت متکثر عثمانی همچون شمشیر دولبه‌ای برای این دولت عمل کرد. از یک سو دولتمردان عثمانی ناچار بودند که برای پاسخ به مسائل بین‌المللی در ساختارهای حقوقی و قانونی تجدید نظر کنند و از سوی دیگر همین اسباب دخالت بیگانگان را فراهم کرده بود که نمونه بارز آن در دخالت روسیه در بالکان هویدا بود.^۹ در نهایت مشروطۀ اول (۱۸۷۶) و مشروطۀ دوم (۱۹۰۸) در عثمانی حاصل تلاش‌هایی بود که به ترتیب زاینده تلاش ساختار قدرت و بدنه فکری ترکان جوان بود. سرانجام

^۸ - برای آگاهی از بخشی از تحول نظام حقوقی در دولت عثمانی و مقایسه‌ی آن بنگرید به: طولابی، توران، «بررسی مفهوم مردم در آیینۀ قانون اساسی مشروطه ایران و عثمانی»، فصلنامه/سناد بهارستان، دوره جدید، شماره دهم، بهار - تابستان ۱۳۹۶، صص ۴۷-۶۲.

^۹ - Yetişgin, Memet, The Ottoman way of governing multi- ethnic and multi- religious communities, OTAM (Ankara Üniversitesi Osmanlı Tarihi Araştırma ve Uygulama Merkezi Dergisi), ۲۰۰۷, sayı ۲۱, pp. ۱۵۱-۱۵۲.

به تبع رخداد‌های سال ۱۹۰۸ دولت سلطان عبدالحمید از ساختار قدرت عثمانی بعد از سه دهه حاکمیت کنار زده شد.^{۱۰}

در اندک زمان کوتاهی پس از مشروطه ایران، مشروطه دوم عثمانی پا گرفت. تجربه مشروطیت در ایران در برابر رشته‌ای از مسائل داخلی و بین‌المللی قرار گرفت و با نخستین کودتای تاریخ معاصر ایران از پا درآمد.^{۱۱} این که در جهان اسلام تجدد چگونه مسیری را پیمود و چه تجربه‌ای از روشنفکری در ایران رقم خورد بدون رویکرد تطبیقی دشوار می‌نماید.^{۱۲}

به هر حال سرشت مناسبات ایران و عثمانی صرفاً به مسائل سیاسی و نظامی کاسته نمی‌شود. بلکه رشته‌ای از مسائل تجاری، فرهنگی و تمدنی در میان دو دولت و البته کنش‌گران فکری و فرهنگی این دو بستر وجود دارد که ضرورت تأمل هرچه بیشتر در مطالعات منطقه‌ای را فراهم می‌کند. دیگر این که مناسبات ایران و عثمانی در عصر تجدد مسئله‌ای است که با رویکرد حاضر نظام آموزشی اعم از مدارس و دانشگاه مغفول مانده است. همین سبب شده است تا پرسش‌هایی همواره پابرجا باشد؛ پرسش‌هایی مبنی بر این که تأثیرپذیری و تأثیرگذاری ایران و عثمانی و ایران و ترکیه جدید را باید چگونه ارزیابی کرد؟ وانگهی، تجربه مشروطیت در ایران و عثمانی و سرشت و سرنوشت آن دو را از چه منظری می‌توان تحلیل کرد؟ آیا برای فهم بهتر سرشت برآمدن دولت‌های اقتدارگرا در ایران و ترکیه نباید به ریشه‌های تاریخی پرداخت و صرفاً آن را به نقش رضاشاه و آتاترک فرونکاست؟ این پرسش‌های و نمونه‌هایی از این دست، تنها در سایه فهم روش‌مند و مبتنی بر مطالعات عمیق ممکن است که قطعاً بسط آن به نظام آموزشی از طریق بازان‌دیشی در قالب‌هایی است که تاکنون بر پیکره آموزش تاریخ تحمیل شده است.

برای نمونه به یکی از مصداق‌های این ادعا می‌توان اشاره کرد. تجربه برآمدن رضاشاه در ایران و آتاترک در ترکیه یکی از مباحثی است که عموماً بر محور تلقی قالبی تحلیل و ارزیابی می‌شود. برای بازان‌دیشی در این نگرش می‌توان با تکیه بر آثاری که به صورت تطبیقی در این زمینه به نگارش درآمده‌اند این تلقی را به پرسش کشیده و صورت علمی‌تری به آن داد. پیش‌تر به آثار نادر سهرابی اشاره شد که با رویکرد تطبیقی به فهم سرشت مشروطیت ایران و عثمانی و تجربه برآمدن دولت رضاشاه و آتاترک پرداخته است. این آثار با تکیه بر روش‌شناسی منسجم، نگرش میان‌رشته‌ای و نیز با تکیه بر منابع چندزبانه از جمله منابع موجود در آرشیوهای ترکیه به نگارش درآمده‌اند. از

^{۱۰} برای آگاهی از این موضوع در پژوهش‌های فارسی بنگرید به: انتخابی، دین، دولت و تجدد در ترکیه، تهران: صص ۱۳۷-۱۵۰.

^{۱۱} سهراب یزدانی در آخرین اثر خود به بررسی و واکاوی عوامل داخلی و خارجی پرداخته است که درنهایت به توپ بسته شدن مجلس شورای ملی را در پی داشت، بنگرید به: یزدانی، سهراب، *کودتاهای ایران*، تهران: نشر ماهی، ۱۳۹۶، بخش دوم.

^{۱۲} برای آگاهی از جریان روشنفکری بنگرید به مقاله عالمانه‌ای که سیداحمد هاشمی در دانشنامه جهان اسلام به رشته نگارش درآورده است: هاشمی، سیداحمد، «روشنفکری»، در: سیداحمد هاشمی و دیگران، *روشنفکری و روشنفکران در جهان اسلام*، تهران: نشر کتاب مرجع، ۱۴۰۰، صص ۱۳-۷۷؛ برای مقاله مربوط به روشنفکری در ترکیه هم بنگرید به: پورابراهیم، ناصر، در: پیشین، صص ۱۱۷-۱۴۲.

این رو، این قابلیت را دارند که به بازنگری در قالب‌های رایج یاری کنند. برای نمونه در یکی از مقالات به صورت‌بندی دولت در ایران و ترکیه پرداخته و کوشیده است آن را نه به فرد که به ساختارهایی نسبت دهد که در دوره مشروطه در هر دو بستر شکل گرفته است.

نگاهی به تاریخ ایران و عثمانی در عصری که به دوره اصلاحات و نوسازی شناخته می‌شود تأییدکننده نگرش فوق است. بدین معنا که ساختارهای برآمده در عصر مشروطه و پسامشروطه را نباید به افراد فروکاست بلکه باید آنها را در بافت تاریخی قرار داده و در سرشت آن غور کرد. از این منظر تحولات ایران و ترکیه از دوره مشروطه به بعد محصول و برآیند رشته‌ای از تحولات است که ریشه در دوره پیش از مشروطه دارد. نمی‌توان از تجربه تجدد در ترکیه عصر جمهوریت سخن گفت بدون این که ساختارهای برآمده از اصلاحاتی را نادیده گرفت که مشخصاً از عصر لاله رقم خورد. این اصلاحات با نظام جدید، اصلاحات دوره سلطان محمود دوم (۱۸۳۱-۱۸۳۹)، عصر تنظیمات (۱۸۳۹-۱۸۷۱)، مشروطه اول (۱۸۷۶) و مشروطه دوم (۱۹۰۸) تا دوام یافت و آنچه ترکان جوان و سپس جمهوریت آتاترک بر پایه آن شکل گرفت.

نتیجه‌گیری

ارتباط با همسایگان و ضرورت برقراری دیپلماسی پایدار یکی از مسائل اکنون است که پشتوانه آن باید درک عمیقی از سرشت تحولات تاریخی باشد. به سخن دیگر، نگاه به تاریخ از منظر اکنون و مسائل آن کمک می‌کند تا ایران بتواند تعاملات بهتری با کشورهای همسایه‌ی خود داشته باشد. براین اساس بازاندیشی در نگرش نظام آموزشی ایران به تاریخ منطقه در دو سطح نظام آموزشی مدارس و نیز نظام دانشگاهی در رشته تاریخ ضروری می‌نماید. محور پژوهش حاضر بر این پرسش استوار بود که جایگاه عثمانی و ترکیه در نظام آموزشی ایران چگونه است؟ حاصل پژوهش با تکیه بر کتابهای تاریخ متوسطه اول و دوم و نیز رشته دانشگاهی تاریخ حاکی از آن است که این جایگاه هم از منظر کیفی و هم کمی نامطلوب است و مبتنی بر واقعیات سیاسی و دیپلماتیک اکنون نیست.

^{۱۳}- برای آگاهی از این دوره‌ها بنگرید به آثار ممتاز انور ضیاء کارال که در قالب چند جلد این دوره را بررسی کرده است:

Karal, Enver Ziya, *Osmanlı tarihi, V.Cilt, Nizam-i Cedid ve Tanzimat devrimi*(۱۷۹۸-۱۸۵۶) Ankara: T.T.K, ۸. baskı, ۲۰۰۷; ____, *VI. Cilt, Islahat Fermanı Devri*(۱۸۵۶-۱۸۶۱), Ankara: T.T.K, ۸.baskı, ۲۰۰۷; ____, *VII. Cilt, Islahat Fermanı Devri*(۱۸۶۱-۱۸۷۶), Ankara: T.T.K, ۸.baskı, ۲۰۰۷; ____, *VIII.Cilt, Birinci meşrutiyet ve İstibdat devirleri*(۱۸۷۶-۱۹۰۷), Ankara: T.T.K, ۸. baskı, ۲۰۰۷; ____, *IX. Cilt, İkinci Meşrutiyet ve Brinci Dünya Savaşı*(۱۹۰۸-۱۹۱۸), Ankara: T.T.K, ۸. baskı, ۲۰۰۷.

برای آگاهی از این ادوار تاریخی در زبان فارسی (تألیف و یا ترجمه) بنگرید به:

شاو، استنفورد جی. و ازل کورال، *تاریخ امپراتوری عثمانی و ترکیه جدید*، ترجمه محمود رمضان‌زاده، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰؛ حضرتی، حسن، مشروطه عثمانی، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام، چاپ اول، ۱۳۸۹.

از منظر کمی، در متون مدارس، مطالب اندکی به شناخت این بخش از جهان اسلام که دارای مرز مشترک با ایران است، اختصاص یافته است. از منظر کیفی هم این نگرش وجه فروکاهانه‌ای دارد که به دوره صفویه و قاجاریه، آن هم پیش از مشروطه بسنده شده است. وانگهی نگاه به این دو دوره تاریخی هم عمدتاً از منظر مناسبات سیاسی و نظامی و نه سرشت فرهنگی، فکری و تجاری تعاملات است. بعد دیگر پژوهش ناظر بر بررسی رشته دانشگاهی تاریخ بود که آن هم حکایت از وضعیت نامطلوبی دارد. از بعد کمی، تنها دو واحد با نام تاریخ عثمانی و خاورمیانه جدید برای مقطع کارشناسی و دو واحد دیگر با نام تاریخ عثمانی برای مقطع دکترای گرایش تاریخ اسلام تعریف شده است که برای دانش‌آموختگان رشته تاریخ نابسند می‌نماید. از بعد کیفی هم نگاه در دانشگاه هم نه بر محور عمیق سرشت تحولات تاریخی از ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی و فکری-فرهنگی که همان نگاه فروکاهانه‌ی سیاسی و نظامی است که نسبتی با نگرش عمیق تاریخی ندارد و از درک سرشت تحولات منطقه عاجز است. این درحالی است که هم در متون مدارس و هم دانشگاهی، از مشروطه به بعد و به سخن دیگر تجربه گذار به تجدد نادیده گرفته شده و عملاً برآمدن دولت پهلوی و نیز جمهوریت ترکیه به رهبری مصطفی کمال آتاترک جایگاهی نیافته است. قطعاً فهم سرشت تجدد و تلاش کشورهای مسلمان برای گذار به تجدد یکی از ابعاد مهم تحول در اسلام معاصر است که عملاً در مطالعات ما نادیده گرفته شده است. همین خلأ و بی‌توجهی، قالب‌هایی را شکل داده است که رخنه در آنها و به پرسش کشیدن‌شان حتی در جامعه علمی دشوار شده است. برای نمونه تأثیرپذیری صرف و یک‌جانبه ایران از تحولات فکری عثمانی و یا تأثیر تجربه عرفی‌سازی جمهوریت ترکیه بر عصر رضاشاه برآیند این شناخت نادقیق، سطحی‌نگر و غیرعلمی است که طرح پرسش درباره آن حتی با واکنش جامعه دانشگاهی هم مواجه می‌شود. از این رو به نظر می‌رسد بازاندیشی در این حوزه از منظر کمی و کیفی و نیز تعریف تجربه گذار دو کشور به تجدد می‌تواند راهگشای جامعه علمی باشد و راه تعامل هرچه بیشتر میان همسایگان اکنون را هم فراهم کند؛ امری که با غفلت دیرپا اسبابی را فراهم آورده است که حتی شناخت نظام دانشگاهی از عثمانی و ترکیه جدید هم مبتنی بر شناخت رسانه‌ای و سیطره همه‌گیر مجموعه‌های تلویزیونی و نه شناخت علمی و نظام‌مند باشد.

منابع و مآخذ

- انتخابی، نادر، *تجدد و ناسیونالیسم در ایران و ترکیه*، تهران: نشر نگاره آفتاب، ۱۳۹۰؛
- حضرتی، حسن، *مشروطه عثمانی*، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام، ۱۳۸۹؛
- ریاحی، محمدامین، *زبان و ادب فارسی در قلمرو عثمانی*، تهران: اطلاعات، ۱۳۹۰؛
- رئیس‌نیا، رحیم، *ایران و عثمانی در آستانه قرن بیستم*، تهران: ستوده، ۱۳۷۴، سه جلد؛
- شاو، استنفورد جی. و ازل کورال، *تاریخ امپراتوری عثمانی و ترکیه جدید*، ترجمه محمود رمضان‌زاده، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰؛
- طولابی، توران، «مطالعات عثمانی و ترکیه در ایران: پیشینه و افق آینده»، *مجله فرهنگ / امروز*، شماره ۲۳، تابستان ۱۳۹۷؛
- طولابی، توران، «بررسی مفهوم مردم در آیینۀ قانون اساسی مشروطه ایران و عثمانی»، *فصلنامه / اسناد بهارستان*، دوره جدید، شماره دهم، بهار- تابستان ۱۳۹۶؛
- *تاریخ (۲)*، از بعثت پیامبر اسلام تا پایان صفویه، پایه یازدهم، دوره دوم متوسطه، ادبیات و علوم انسانی، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، ۱۳۹۶؛
- هاشمی، سیداحمد و دیگران، *روشنفکری و روشنفکران در جهان اسلام*، تهران: نشر کتاب مرجع، ۱۴۰۰؛
- یزدانی، سهراب، *کودتاهای ایران*، تهران: نشر ماهی، ۱۳۹۶؛
- Karal, Enver Ziya, *Osmanlı tarihi, V.Cilt, Nizam-i Cedid ve Tanzimat devrimi* (۱۷۹۸-۱۸۵۶) Ankara: T.T.K, ۸. baskı, ۲۰۰۷؛
- _____, *VI. Cilt, Islahat Fermanı Devri* (۱۸۵۶-۱۸۶۱), Ankara: T.T.K, ۸.baskı, , ۲۰۰۷؛
- _____, *VII. Cilt, Islahat Fermanı Devri* (۱۸۶۱-۱۸۷۶), Ankara: T.T.K, ۸.baskı, ۲۰۰۷؛
- _____, *VIII.Cilt, Birinci meşrutiyet ve İstibdat devirleri* (۱۸۷۶-۱۹۰۷), Ankara: T.T.K, ۸. baskı, ۲۰۰۷؛
- _____, *IX. Cilt, İkinci Meşrutiyet ve Brinci Dünya Savaşı* (۱۹۰۸-۱۹۱۸), Ankara: T.T.K, ۸. baskı, ۲۰۰۷؛
- Sohrabi, Nader, *Revolution and Constitutionalism in The Ottoman Empire and Iran*, Cambridge University Press, ۲۰۱۱؛
- Sohrabi, Nader, "Historicizing revolution: Constitutional revolutions in the Ottoman Empire, Iran and Russia, ۱۹۰۵-۱۹۰۸", *The American Journal of Sociology*, Vol. ۱۰۰, No. ۶(May, ۱۹۹۵)؛

- Sohrabi, Nader, “Constitutional Revolutions and State Formations in Comparison: Iran and Turkey”, The Oxford Handbook of Contemporary Middle Eastern and North African History, Oxford University Press, ۲۰۱۸.
- Yetişgin, Memet, The Ottoman way of governing mutli- ethnic and multi- religious commuities, OTAM(Ankara Üniversitesi Osmanlı Tarihi Araştırma ve Uygulama Merkezi Dergisi), ۲۰۰۷, sayı ۲۱, pp. ۱۵۱-۱۵۲.

Two Neighbors in the Mirror of Historical Narrative:

A Critical Evaluation of the Narrative of Ottoman History in Iran's Formal Teaching

Tooran Toolabi

Abstract:

Throughout the history, there have been a continuing current of mutual relations between Iran and the Asia Minor. This mutual relationship continued to survive in a later time when a branch of Saljuqid Turks established the Ottoman Empire. At the same time, Iran witnessed the rise of Safavid dynasty who declared Shi'ite Islam as their official religion. This was a consequential event which changed the historical pattern of relations in a divergent direction. For more than a century both countries were engaged in religious confrontations and ideological-geopolitical rivalries. Yet, the cultural relations continued to develop even in these critical conditions. Despite this fact, the prevalent narrative of Iran-Ottoman historical communications has been formed from a political perspective. Given this, the present paper aims to shed new lights on this subject. Its focus is on a selection of historical texts which are currently teaching in high school and universities. Organized in two parts, the survey is concentrated on the history of Ottoman Empire and modern Turkey as narrated in the formal Persian text. The result shows that, in both high school and academic texts, the main accent is on political and military subjects. On the contrary, economic, cultural and intellectual subjects have been dealt very briefly. Moreover, the main volume of material is devoted to Iran-Ottoman wars under the Safavid dynasty and early Qajar period, but no attention is paid to the intellectual communications and the common experience of modernizing in ۱۹th and early ۲۰th century. All things considered, it seems necessary and functional to fill this gap by applying a critical approach to this prevalent narrative. In other words, we need to rethink this dominant narrative.

Keywords: Iran. Ottoman Empire, Teaching, School Books, Atatürk, Reza Shah, Academic Books.

